

پرونده روزنامه صبا برای جنگی که از قاب دوربین‌ها ثبت شد

وقتی تصویر، سلاح می‌شود

یاد هر شرایط بحرانی دیگر، به فعالیت رسانه‌ای مان می‌پرداختیم، اما در بسیاری از موارد، از جانب دستگاه‌های مختلف، از این کار منع می‌شدیم. البته قاعدتاً در شرایط جنگی حساسیت‌ها زیاد است و باید ملاحظات امنیتی را هم برای شهروندان و هم برای خبرنگاران در نظر داشت. خوشبختانه حالا بعد از گذشت مدتی، این موضوع بهتر و دقیق‌تر مورد توجه قرار گرفته که باید سازوکار مناسبی وجود داشته باشد که حتی شهروندانی که با تلفن همراه‌شان عکس و فیلم می‌گیرند و در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند این عمل را به شکل حساب‌شده و دقیق انجام دهند و در نتیجه این نگاه می‌بینیم که حالا بعد از گذشت یک بازه زمانی آگاهی‌هایی لازم به مردم داده شده که از هر جایی نباید عکس و فیلم گرفته شود، به‌ویژه مکان‌های نظامی که حساسیت زیادی روی آن‌ها وجود دارد. اگر همین سازوکار به صورت درستی برای خبرنگاران وضع می‌شد و به موقع انجام می‌گرفت، می‌توانست فعالیت گروه‌های خبری و خبرنگاران را نیز در چارچوبی درست با ساز و کار اصولی قرار دهد بدین ترتیب قاعدتاً پیچ‌های خبرنگار و دوستان عکاس خبری هم می‌توانستند به صورت حرفه‌ای و در همان چارچوب، کارشان را به درستی انجام دهند.

با این تفاسیر شهروند خبرنگاران نیز می‌توانستند تأثیر بسزایی در ثبت این وقایع داشته باشند.

بله امروزه شهروند خبرنگاری هم جزئی از بخش خبری دنیا به حساب می‌آید. یعنی بسیاری از مردم، با تلفن همراه‌شان خواسته یا ناخواسته کار خبری و رسانه‌ای انجام می‌دهند. حتی انتشار آن در شبکه‌های اجتماعی گاه می‌تواند برد رسانه‌ای بسیار زیادی داشته باشد. به همین جهت نباید از این مسئله به راحتی گذشت که یک خبرنگار و یک عکاس خبری حرفه‌ای باید بتواند در شرایط امن، کار و رسالتش را انجام دهد و این نیازمند چارچوب و قوانین درستی است که بتواند کار عکاس خبری یا خبرنگار را تسهیل کند.



مجید عسگری پور، عکاس خبرگزاری وانا و روبرتز؛ مردی در ۲۴ خرداد ۱۴۰۴، در پی حمله اسرائیل به سازمان صدا و سیما در تهران، بیراهه‌ای با طرح کهنه سربازان آمریکایی پوشیده است که روی آن نوشته شده «متحد ایستادیم». این تصویر، دوشی را نشان می‌دهد که در دردت‌ها به هوا بلند شده است.

مریم عطیمی

گزارش

از همان روز اول
آمدگی عکاسی داشتیم

آیا شما پیش‌تر تجربه‌ای مشابه با این شرایط داشتید؟

مشابه این شرایط را در خارج از کشور تجربه نکرده‌ام و در داخل کشور هم بیشتر شرایطی مانند آتش‌سوزی یا زلزله را تجربه کرده بودم.

این شرایط چه تفاوت‌هایی برای شما داشت و آیا برای چنین موقعیتی آماده بودید؟

ما از همان روز اول آمادگی عکاسی داشتیم منتها این مسئله از لحاظ ذهنی، چیز جدیدی بود. یعنی تجربه دیدن جنگ از نزدیک و جنگی که بغل گوش خودمان در حال رخ دادن بود به نسبت اینکه در یک کشور دیگر باشد کمی متفاوت‌تر بود.

آیا هنگام تهیه عکس‌ها در قاب‌بندی‌ها و انتخاب‌ها احساس آزادی عمل کامل داشتید؟

نه، متأسفانه، یکی از معضلات این اتفاقی که افتاد، این بود که عکاسان خبری بعد از چند روز از شروع جنگ دیگر اجازه عکاسی و انتشار عکس را نداشتند و در این مدت ما بیشتر با تلاش و ممارست خودمان توانستیم یک سری

مجید خواهدی
عکاس خبرگزاری
ایسنا



و فرقی نمی‌کند خانه من یا خانه هم‌نوع من یا هم‌وطنم، بر اثر جنگ یا بلای طبیعی، خراب شده باشد یا نه. مهم این است که من به عنوان یک عکاس خبری باید این درد مشترک را ثبت کنم و صدای آن آدم‌ها باشم.

در مورد تجربه شخصی‌تان از حملات اخیر به کشورمان بفرمایید.

حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان اتفاق بسیار دردناکی بود، در لحظات اولیه‌ای که این اتفاق افتاد، مانند بسیاری از مردم، با شنیدن صدای انفجار سراسیمه از خواب بیدار شدیم، با این تفاوت که من به عنوان یک عکاس همیشه در چنین مواقعی، اولین کاری که می‌کنم چک کردن تلفن همراه است و ابتدا اخبار را دنبال می‌کنم به همین جهت بلافاصله دیدم که بسیاری از کانال‌های خبری و خبرگزاری‌ها و شبکه‌های خبری، زیرنویس کردند که صدای انفجار تأیید شده و اسرائیل به خاک ایران حمله کرده است. پیرو این امر باید در همان دقایق اولیه خودمان را به محل کار می‌رساندیم و قاعدتاً بعد از آن، به جاهایی که مورد اصابت قرار گرفته بودند می‌رفتیم. همانطور که پیش‌تر گفتیم دیدن خرابی‌ها و وحشت مردم، برای من خیلی دردناک بود ولی باید تلاش می‌کردم به عنوان یک عکاس خبری کار و رسالتی را که بر عهده دارم به درستی انجام دهم. با این حال دیدن صحنه وحشت کودکان تأثیرگذارترین و غمناک‌ترین بخش ماجرا بود. یعنی همیشه دیدن تشویش بچه‌ها و ناآرامی آن‌ها در هر شرایط بحرانی، حداقل روی من تأثیر عمیقی می‌گذارد.

به نظر شما چه چالش‌هایی در فعالیت رسانه‌ای در شرایط بحرانی، مانند جنگ، وجود دارد؟

یکی از مواردی که به لحاظ حرفه‌ای، خلأ آن در این شرایط احساس شد، در واقع نبود سازوکار مشخص برای فعالیت رسانه‌ای بود. ما به عنوان خبرنگار، باید در این شرایط

دیدن وحشت کودکان
غمناک‌ترین بخش ماجرا بود

تفاوت‌های عکاسی جنگ و بحران در چیست؟

عکاسی جنگ و بحران، هر دو تجربه‌ای تلخ برای یک عکاس خبری هستند، چرا که رسالت عکاس خبری حضور در دل اجتماع خصوصاً در مواقع بحران است. به هر حال، او چشم‌جمعه و نماینده افکار عمومی است. منظور از «عکاس خبری»، نیز هم عکاس خبری و هم خبرنگار است و این دو با هم خیلی تفاوتی ندارند و این رسالت مشترک هر دو گروه و وظیفه‌ای است که جامعه بر دوش آن‌ها گذاشته و قطعاً مسئولیت‌شان را بسیار زیاد می‌کند. عکاس خبری باید ببیند و بتواند تحلیل و ثبت کند. دیدن درد مردم و هم‌زمان انجام وظیفه رسانه‌ای، برای یک عکاس می‌تواند کار بسیار سنگین و دردناکی باشد. ولی به هر حال، این یک وظیفه است. یک مسئولیت اجتماعی که جامعه بر دوش او گذاشته و باید به خوبی انجامش دهد. یکی از تجربه‌های شخصی من از بحران، زلزله سرپل ذهاب بود که در ساعات اولیه به آنجا رسیدم. به هر حال، دیدن صحنه‌هایی که درد و آشفتگی مردم را نشان می‌دهد، برای یک عکاس بسیار دردناک است. اما هم‌زمان باید تمام انرژی‌مان را می‌گذاشتیم برای اینکه بتوانیم گوشه‌ای از این درد مردم را با وظیفه رسانه‌ای‌مان ثبت کنیم و بتوانیم، حداقل از این طریق، صدای آن‌ها باشیم. اما جنگ، تجربه جدیدی بود چون من نیز مانند بسیاری از هم‌نسلانم، در کودکی، سال‌های آخر جنگ را تجربه کرده بودم و شاید فقط به اندازه یک نوزاد از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تجربه دارم و چیز زیادی از آن به یاد نمی‌آورم. به طور کل می‌توانم بگویم که چه در جنگ، چه در زلزله و چه در سایر بلایای طبیعی، وقتی یک عکاس خبری وارد صحنه می‌شود، با انبوهی از درد انسان‌ها مواجه می‌شود، البته این قطعاً یک درد مشترک است

مجید
عسگری پور
عکاس خبرگزاری
وانا و روبرتز

